

سیری اجمالی در

سیره‌نگاری

پیامبر اسلام در غرب

مرتضی کریمی نیا

بیان‌کننده تاریخی صرف - آن گونه که مورخان سکولار در صدد ثبتش هستند - نیست، بلکه این متون بیش‌تر در صدد بیان نقش نجات‌بخش خداوند در حوادث تاریخ است. فی‌المثل در تاریخ یهود، سرگذشت بنی اسرائیل در تمام مراحل آن، عرصه حضور خداوند در تاریخ و نجات این قوم در سخت‌ترین شرایط است. همچنین از نظر مسیحیان، تاریخ نجات با تجسد خداوند در عیسی مسیح و حوادث مربوط به وی روی داده است. اما این نجات به قومی خاص و برگزیده منحصر نمی‌شود، بلکه تمام بشریت را در بر می‌گیرد. در این هر دو مورد، باور به صدق تاریخی حوادث تاریخی، نوعی ایمان به صدق گزاره‌های دینی آن ادیان را در بر دارد.^۱

بررسی‌های علمی و آکادمیک در باب سیره پیامبر اکرم در غرب از اواسط قرن نوزدهم آغاز شد. پیش از این، البته کتاب‌ها و ردیه‌هایی علیه دین اسلام و شخصیت پیامبر (ص) در قرون وسطی تهیه و منتشر شده بود. معروف‌ترین آنها مجموعه *طلیطله* یا *تولدو* است که حاوی ترجمه لاتینی ناقصی از قرآن کریم و چند رساله در حدیث و سیره از جمله مسائل عبدالله بن سلام بود. مجموعه *طلیطله*، به گفته خانم دلورنی، به همت و دستور پتر مقدس یا پیر

سیره و تاریخ زندگانی هر یک از پیامبران بزرگ، چنان با روح و آموزه‌های اساسی دینشان عجین شده است که شناخت دقیق هر یک از آن‌ها بدون دیگری ناممکن، و یا دست کم، ناقص است. این نکته علاوه بر ادیان بزرگ ابراهیمی چون یهودیت، مسیحیت و اسلام، در پاره‌ای از ادیان شرقی چون بودیسم، به نحو ضعیف‌تری صادق است. اما آنچه در این مقاله مهم است، سیره‌نگاری پیامبر اکرم در فرهنگ اسلامی و بررسی مشکلات و محدودیت‌های آن از چشم غربیان است.

پژوهش در تاریخ و سیره پیامبر اکرم در غرب، مسبوق به پیشینه‌ای بلند از تحقیقات تاریخی درباره زندگی دو پیامبر بزرگ یعنی حضرت موسی و حضرت عیسی (ع) است. طی ۴۰۰ سال گذشته پژوهش‌های متن‌شناختی، تاریخی و انتقادی در دو دین یهودیت و مسیحیت، تحولات فراوانی را پشت سر گذاشته و متون مقدس این ادیان، یعنی تورات و انجیل را عرصه انواع موشکافی‌های علمی، باستان‌شناختی، ادبی (از منظری سکولار و غیردینی) کرده است. این امر گاه چنان صورت افراطی به خود گرفته است که برخی محققان در وجود تاریخی پیامبری چون عیسی (ع) نیز تردید کرده‌اند. با این همه، یک نکته را می‌توان مورد اتفاق تمام یا اکثریت محققان جدید دانست: تاریخ ادیان بزرگی چون یهودیت و مسیحیت «تاریخ نجات» (Salvation History) است. از نظر محققان یهودیت و مسیحیت، تاریخ این ادیان و به ویژه کتاب آسمانی آن‌ها،

۱. برای نوشته‌ای فارسی در این باره نگاه کنید به آکن گالووی، پان برگ: *الهیات تاریخی*، ترجمه مراد فرهادپور، تهران، صراط، بی‌تا، به ویژه فصل دوم با عنوان «وحی به مثابه تاریخ».

2. Corpus Toletanum.

گوستاو وایل با عنوان محمد، پیامبر [خدا]: سیره و مذهب او.^{۱۲} مؤلف این کتاب علاوه بر استفاده از آیات قرآن کریم، در تدوین سیره نبوی به منابع اسلامی متأخر از قرن ششم هجری رجوع کرده است. دیگر آثار مربوط به این دوره عبارتند از: **سیره و تعالیم محمد بر مبنای عمده منابعی که تاکنون مغفول مانده است**، در سه جلد، نوشته آلوئیس اشپرنگر^{۱۳} در سال‌های ۱۸۶۱-۱۸۶۵؛ **گفتاری در تاریخ اسلامی**، نوشته رابنهارت دوزی^{۱۴} در سال

3. Petrus Venerabilis.

۴. در مقاله «دو ترجمه لاتینی قرآن از قرون وسطی» با مشخصات کتاب شناختی زیر:

Marie Thérèse' Alverny, "Deux traductions latines du Coran au Moyen Age," in *Archives d'histoire doctrinale et littéraire du Moyen Âge* 22-23 (1947-48) pp. 69-131.

این مقاله همچنین اخیراً در این کتاب به چاپ رسیده است.

La connaissance de l'Islam dans l'occident médiéval, ed. Charles Burnett, Aldershot: Variorum, 1994.

5. John of Damascus.

6. Petrus Alfonsi; Pedro do Alfonso.

7. William of Tripoli.

8. Nicholas of Cosa.

۹. در این باره نگاه کنید به بخش اول و دوم از فصل نخست کتاب سودمند هارتموت بوئسین با عنوان قرآن در عصر اصلاحات: تاریخچه اولیه مطالعات عربی و اسلامی در اروپا در زیر:

Hartmut Bobzin, **Der Koran im Zeitalter der Reformation: Studien zur Frühgeschichte der Arabistik und Islamkunde in Europa**. Beirut: Deutsche Morgenländische Gesellschaft; Stuttgart: Steiner, 1995 (Beiruter Texte und Studien, 42) pp. 13-90.

10. Mozarabs.

۱۱. در این باره نگاه کنید به مقاله آ. نوت (Albrecht Noth) با عنوان «الف. تصویر پیامبر در قرون وسطی لاتینی» که بخشی است از مدخل محمد [Muhammad] در **دایرةالمعارف اسلام**، ویرایش دوم، لیدن: انتشارات بریل. در بخش دیگری از همین مقاله ترودلرت (Trude Eh- lert) فهرستی بسیار جامع از تمام مکاتبات رایج در باب سیره پیامبر از قرن هشتم تا نوزدهم میلادی در اروپا به دست داده و به تفصیل آن‌ها را بررسی کرده است.

12. Gustav Weil, **Muhammad der Prophet, sein Leben und seine Lehrer**, n.p. 1843.

13. Aloys Sprenger, **Das Leben und die Lehre des Mohammad: Nach bisher grösstentheils unbenutzen Quellen bearb.**, 3 vols., Berlin: Nicolai'sche Verlagsbuchhandlung, 1861-1865.

14. Reinhart Dozy, **Essai sur l'histoire de l'Islamisme**, Paris: Leude, 1879.

محترم^{۱۵} (۱۰۹۲-۱۱۵۶)، راهب دیرکلونی در فرانسه فراهم آمد و او خود نیز چند متن احتجاجی علیه اسلام در این مجموعه گنجانید. نمونه‌هایی دیگر از این گونه کتاب‌ها، آثار یوحنا دمشقی^{۱۶} (قرن هفتم و هشتم)، پطرس آلفونسی^{۱۷} (متولد حدود ۱۰۶۲) - یهودی اسپانیایی که به مسیحیت گرویده بود - و یلیام تریپولی^{۱۸} (قرن سیزدهم)، نیکلاس کوزائی^{۱۹} (۱۴۰۱-۱۴۶۴) و نیز مقدمات و حواشی بیش تر ترجمه‌های قرآن در این دوره است که از ابتدا به قصد ابطال و سخیف کردن دین اسلام نوشته شده‌اند و گاه مؤلفان آنها کوشیده‌اند برتری شخصیتی و دینی حضرت عیسی بر پیامبر (ص) را در آثار خود اثبات کنند.^{۲۰}

اطلاعات صحیح راجع به سیره پیامبر در قدم نخست از منابع اصیل اسلامی اخذ می‌شود، اما ناقلانی غیر مسلمان که مدت‌ها در حاکمیت مسلمانان زندگی کرده بودند، آن را در اروپا منتشر می‌کردند. اینان هیچ‌گاه نگران دقت در نقل مطالب نبودند، بلکه به عکس می‌کوشیدند تصویری منفی از پیامبر اسلام ارائه دهند. همین اطلاعات مغلوط و مجعول به دست دانشجویان و پژوهشگران غربی در قرون وسطی رسیده است که هیچ‌گونه تسلطی بر منابع اصیل اسلامی نداشته و از سوی دیگر غالباً در صدد جدل و ابطال حقانیت دین اسلام بوده‌اند.

بدین سان مهم‌ترین نقاط و فرازهای زندگی پیامبر اسلام را دو دسته در اروپای قرون وسطی پراکنده ساختند: از یک سو، بیزانسی‌هایی که از طریق شامات اسلام را می‌شناختند و از سوی دیگر، مسیحیان اسپانیا که در تحت حکومت اسلامی زندگی کرده و به نام «مستعربون»^{۲۱} شناخته می‌شدند. اما، بی‌تردید، مهم‌ترین منبع اطلاعاتی مسیحیان اروپا به زبان اسپانیایی بود. اگر از چند مورد استثنایی صرف نظر کنیم، مجموعه تمام سیره‌هایی که از زندگی پیامبر اسلام در قرون وسطی نوشته شده‌اند، همگی دارای غرض و گرایش واحدی بودند: ایشان می‌خواستند اثبات کنند که حضرت محمد (ص) بنا به شهادت زندگی و اعمال و اقوالش نمی‌توانسته است پیامبری راستین باشد؛ بنابراین کتاب وی مجموعه‌ای از اعمال و تراوشات ذهنی انسانی است و اسلام در خوش‌بینانه‌ترین قضاوت، جعل ناقصی از دین مسیحیت است!^{۲۲}

پس از قرون وسطی آهنگ توجه به دین اسلام، ترجمه قرآن و سیره‌نگاری پیامبر در میان غربیان بیش تر شد و - همچنان که اشاره شد - بررسی‌های علمی و آکادمیک در باب سیره پیامبر اکرم در غرب از اواسط قرن نوزدهم آغاز شد. نخستین اثر جامع و علمی در شرح حال و زندگی پیامبر اکرم، کتابی است به آلمانی از

۱۸۷۹؛ **حیات محمد** در چهار جلد، تألیف ویلیام مویر^{۱۵} در سال ۱۸۶۱. تا آن زمان، منابع اولیه اسلامی در سیره نگاری، هنوز در دسترس غربیان نبود، اما در دهه های پایانی قرن نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم، برخی نسخ مخطوط از منابع قدیم سیره و تاریخ اسلامی کشف، و با ویرایش و تصحیح غربیان منتشر شدند. بنابراین، در طول قرن بیستم، چهار منبع اصلی از میان تواریخ و سیره نگاری های اسلامی در دسترس پژوهشگران غربی قرار گرفت. این منابع عبارت اند از: **مغازی** واقدی؛ **سیره ابن هشام**؛ **طبقات ابن سعد**؛ و **تاریخ طبری**.^{۱۶} در طول قرن بیستم، مراجع اصلی غربیان در شناخت سیره نبوی، علاوه بر قرآن کریم و برخی از صحاح سته، این چهار کتاب بوده است.

نخستین محققان غربی در باب سیره نبوی، چندان نگران این مسأله نبودند که کهن ترین منابع اسلامی در این حوزه، دست کم دو تا سه قرن پس از رحلت پیامبر اکرم تدوین شده اند؛ چرا که تمامی این کتب حاوی روایات و سلسله اسانیدی بود که به اذعان مؤلفان آن کتب، به زمان های بسیار متقدم می رسید و غالباً به فردی شاهد ماجرا از صدر اسلام منتهی می شد. سیره نویسان غربی، البته، نیک آگاه بودند که در میان این روایات گاه متناقض، آثار و نشانه های جعل، اغراق، و انواع تعصبات و غرض ورزی های فرقه ای و مذهبی وجود دارد، لیکن بر این اعتقاد بودند که یک ذهن نقاد و تیزبین سرانجام می تواند دریابد که در تک تک حوادث صدر اسلام واقعاً چه روی داده است. در سال ۱۸۹۰ ایگناز گلدتسیهر با انتشار جلد دوم کتاب **مطالعات اسلامی**^{۱۷} نخستین شوک را بر این دیدگاه خوش بینانه وارد ساخت.^{۱۸} وی در اصل می خواست این نکته را مطرح و مدلل کند که اغلب متون حدیثی اعتقادات، باورها و منظومه فکری دوره های متأخر از صدر اسلام را بازگویی می کنند؛ چرا که در این فضا و در دوره های متأخر ساخته و تدوین شده اند؛ لذا این متون را نباید منبع و مرجع تاریخی در تدوین سیره پیامبر (ص) و تاریخ صدر اسلام دانست.

هر چند گلدتسیهر بحث خود را عمدتاً به تشکیک در روایات فقهی در صحاح سته معطوف کرده بود، لیکن نتایج کار وی روایات سیره موجود در کهن ترین منابع اسلامی را نیز دربر می گرفت. از همین رو، برخی از مسورخان و سیره نویسان غربی در اوایل قرن بیستم روش شکاکانه گلدتسیهر را برگرفته و در پژوهش های خود راجع به زندگی پیامبر (ص) به کار بستند. فی المثل لثونه کایتانی، سیره نگار

مشهور ایتالیایی در کتاب حجیم تاریخ اسلام^{۱۹} خویش و نیز هانری لامنس مستشرق فرانسوی در مقاله ای با عنوان «نحوه تدوین سیره محمد از درون قرآن و سنت»،^{۲۰} هر دو این رأی را ابراز می کردند که تقریباً تمام منقولات مربوط به حیات و سیره نبی اکرم (ص) مجعول و برساخته نسل های بعدی است. از منظر این مستشرقان، چارچوب شکلی سیره و ترتیب تقویمی آن برآمده از روایات اسلامی است و چنانچه این چارچوب و تقویم تاریخی را کنار بگذاریم، اشارات تاریخی به سیره پیامبر که در قرآن آمده است، چندان اطلاعی به مورخ و سیره نگار غربی نمی دهد. این شکاکیت تمام عیار و افراطی را، البته تنها معدودی از محققان سیره و قرآن و حدیث در غرب پذیرفتند.

از سوی دیگر، تردیدهای گلدتسیهر در منابع روایی و تاریخی اسلام با واکنش هایی از جبهه مقابل مواجه شد. نخست خانم نبیه ابوت در کتاب **مطالعاتی در پاپروس های عربی**، جلد

15. Sir William Muir, *The Life of Mahomet*, 4vols., London, 1858-1861. Rev. ed. Edinburgh: John Grant, 1912. 1932.

۱۶. **سیره ابن اسحاق** را فریدیناند وستفلد در فاصله سال های ۱۸۵۸-۱۸۶۰ در گوتینگن آلمان به چاپ رسانید و سپس آلفرد گیوم ترجمه ای انگلیسی از آن همراه با اضافاتی منتشر کرد. **طبقات ابن سعد** نیز در ۹ جلد در میانه سال های ۱۹۰۵-۱۹۴۰ در لیدن هلند به چاپ رسید. پیش تر از این تاریخ **طبری** را میخائیل یوهان دخویه در ۱۵ جلد در همان جا (۱۸۷۹-۱۹۰۱) منتشر کرده بود؛ و سرانجام **مغازی** واقدی را مارسدن جونز در سه جلد در لندن (۱۹۶۶) منتشر کرد.

17. Ignaz Goldziher, *Muhammedanische Studien*, 2vols., Halle, 1888-1890. English translation: *Muslim Studies*, tr. by C. R. Barber & S. M. Stern. London: George Allen and Unwin, 1967-1971.

۱۸. به گفته هربرت برگ در کتاب **تکوین و تکامل تفسیر در نخستین سده های اسلامی**، پیش از گلدتسیهر، برخی از مستشرقان چون وابل، اسپرنگر، دوزی و مویر در وثاقت و صحت اسانید روایات سیره تردیدهایی کرده بودند، اما گلدتسیهر نخستین بار این شکاکیت را صورت بندی و با بهره گیری از دانش گسترده خود راجع به احادیث صحاح سته، در اثر خود عرضه کرد. نگاه کنید به:

Herbert Berg, *The Development of Exegesis in Early Islam: The Authenticity of Muslim Literature From the Formative Period*. Richmond (Surrey): Curzon, 2000. p.9.

19. Leone Caetani, *Annali dell'Islam*, Milan, 1905.

20. Henry Lammens, "Qoran et tradition, comment fut composée la vie de Mahomet," *Recherches de science religieuse* li (1910) pp. 26-51.

فقهی و کلامی قرن دوم هجری اند و ارزش تاریخی عصر پیامبر را ندارند. دغدغه اصلی شاخت - که بر روش شکاکانه گلدتسیهر تکیه می کرد - مبادی فقه اسلامی و به ویژه جایگاه شافعی در تحولات فقه اسلامی بود. اهل سنت به شافعی لقب «ناصر السنّة» داده اند؛ یعنی کسی که نخستین بار حجیت قول و فعل و تقریر پیامبر را نظریه پردازی کرده و اسناد و اتصال آن را به پیامبر اهمیت بخشیده است. شاخت بر این نکته تأکید می کرد که احادیث نبوی - همراه با قرآن - پایه اساسی فقه اهل سنت را تشکیل نداده اند. به اعتقاد وی، این روایات پس از تأسیس برخی نهادهای فقهی و حقوقی در جامعه اسلامی، ساخته شده و رواج یافتند و سپس اسنادهایی قهقرایی به آن ها متصل شده است. پیش از شافعی، در میان سایر مذاهب فقهی اهل سنت، مفهوم سنت رواج داشت، اما ایشان به سهولت به اموری چون قیاس، استحسان، رأی، عمل اهل مدینه و مانند آن استناد می کردند. شافعی کسی بود که سنت را صرفاً به معنای احادیث نبوی به کار بُرد و بر این امر استدلال کرد که حتی یک حدیث واحد و منفرد که اسناد متصل به پیامبر داشته باشد، بی توجه به جعل اسنادش، مقدم بر رأی و نظر تمامی صحابه و تابعین و همه حجج های دیگر است. به نظر شاخت، به همین دلیل پیش از شافعی، استناد به اقوال و آرای صحابه و تابعین در استنباطات فقهی امری رایج بود، اما پس از آن حدیث نبوی - حتی با اسنادی مجعول - جای رأی صحابه را گرفت.^{۲۵} نظریه شاخت واکنش های فراوانی در میان مستشرقان و محققان اسلامی

21. Nabia Abbott, *Studies in Arabic Literary Papyri, I: Historical Texts*, Chicago: University of Chicago Press, 1957; *II: Qur'anic Commentary and Tradition*, Chicago: University of Chicago Press, 1967.
22. Fuat Sezgin, *Geschichte des arabischen Schrifttums, Band I: Qur'anwissenschaften, Hadith, Geschichte, Fiqh, Dogmatik, Mistik bis ca. 430 H.* Leiden: E. J. Brill, 1967.
23. Régis Blachère, *Le problème de Mahomet*, Paris, 1952.
24. Joseph Schacht, *The Origin of the Muhammadan Jurisprudence*, Oxford: Clarendon Press, 1950.
۲۵. درباره آرای شاخت، علاوه بر کتاب خود او، نگاه کنید به مقدمه مفصل عبدالمجید ترکی بر کتاب *الاحکام فی اصول الاحکام* و نیز کتاب جدید هربرت برگ با این مشخصات:
Herbert Berg, *The Development of Exegesis in Early Islam: The Authenticity of Muslim Literature From the Formative Period*. Richmond (Surrey): Curzon, 2000. pp. 6-23.

اول: متون تاریخی؛ جلد دوم: تفاسیر قرآنی و روایات،^{۲۱} و سپس فواد سزگین در کتاب تاریخ ادبیات عرب، ج اول: علوم قرآنی، حدیث، تاریخ، فقه، کلام و تصوف تا ۴۳۰ قمری^{۲۲} دیدگاه گلدتسیهر را مردود ساختند. خانم ابوت بر سنت مداوم اعراب در کتابت شعر، تاریخ و حدیث - حتی از دوره جاهلیت - تأکید می کند و فواد سزگین با تاریخ گذاری برخی متون روایی و تفسیری پیش از قرن دوم و سوم - همچون نسخ القرآن زهری و تفسیر ابن عباس - قدمت و وثاقت منابع کهن اسلامی را اثبات می کند به نظر نیبّه ابوت، صحابه پیامبر عادت به ثبت احادیث پیامبر داشته اند و از این رو، احادیث بسیاری به صورت مکتوب باقی مانده بود. بنابراین هنگام تدوین جوامع حدیثی نخست، وجود همین سنت و میراث مکتوب، ضامن اعتبار و وثاقت روایات نبوی بوده است. وی البته در پاسخ به این پرسش که چرا هیچ اثر و نشانه ای از این سنت مکتوب برجای نمانده است، گناه این امر را به گردن خلیفه دوم، عمر بن خطاب، می اندازد که با سخت گیری بسیار، دستور به محو تمام متون غیر از قرآن داده بود تا مبادا مسلمانان نیز چون یهودیان صاحب کتاب و نوشته هایی در عرض کتاب آسمانی شان شوند. اما، این هر دو منتقد گلدتسیهر در وثاقت و سلامت اسانید عمده روایات نبوی تردیدی نداشتند.

در نیمه نخست قرن بیستم چندین کتاب در شرح حال و سیره پیامبر (ص) در غرب منتشر شد که مؤلفان آن ها در مقدمه یا مؤخره کتاب خود به اعتبار مشکوک یا متزلزل روایات سیره و مغازی اشاره می کردند. با وجود این، چندان بر این نکته اصرار نمی ورزیدند، بلکه کتب خویش را بر مبنای مفاهیم و باورهای کلی برآمده از همین روایات سیره و مغازی تدوین می کردند. مهم ترین کتاب از این دست را رژی بلاشر، مترجم فرانسوی قرآن کریم و محقق در فقه اللغه و ادبیات عرب در سال ۱۹۵۲ تألیف کرده است. کتاب وی *مسأله محمد یا معمای محمد*^{۲۳} نام دارد که در آن فصل مهم و سودمندی در باب «سیره نگاری انتقادی» آمده است.

درست در همین زمان، یعنی در نیمه قرن بیستم، یوزف شاخت، مستشرق هلندی و از جمله سروراستاران *دائرة المعارف اسلام* (ویرایش دوم، لیدن، انتشارات بریل)، در کتاب خویش با عنوان *مبانی فقه اسلامی*^{۲۴} بار دیگر اعتبار و اصالت حدیث در قرن نخست هجری را مورد خدشه قرار داد. از نظر شاخت، روایاتی که با سلسله سند خود به پیامبر (ص) یا یکی از صحابه می رسند، در واقع محصول تحولات سیاسی،

نسل های متأخر - آن چنان که در «تاریخ نجات» ثبت شده - چه اتفاق افتاده است.^{۲۴} از سوی دیگر دو شاگرد و نژبرو، به نام های پاتریشیاکرون و مایکل کوک در کتاب مشترک و افراطی شان، **هاجریم**،^{۲۵} کوشیدند به گونه ای بازسازی بیرونی در تاریخ صدر اسلام دست بزنند. ایشان در این راه افراطی خود، عمدتاً بر منابع غیراسلامی، چون کتیبه ها، سنگ نبشته ها و شواهد سکه شناختی از محیط پیرامونی جهان اسلام تکیه کردند که هر چند ذره ای اعتبار منابع اسلامی را نداشتند، اما به نظر شواهد و مدارکی بی طرف و خنثی می آمدند. افراط ایشان چنان اوج گرفت که دیگر وثاقت متن قرآن کریم را، حتی در بازنمایی تعالیم و مواعظ پیامبر اکرم، نیز مورد تردید قرار می دادند. با این حلقه از مستشرقان و سیره نگاران غربی، آخرین و معتبرترین منبع در ثبت تاریخ صدر اسلام، یعنی قرآن کریم، نیز از دسترس خارج شد و، در نتیجه،

داشت. از میان غربیان ویلیام مُتگمیری وات در مقدمه کتاب **محمد در مکه**^{۲۶} این رای را مردود شمرد؛ اما از همه معروف تر محمد مصطفی اعظمی بود که به تفصیل در دو کتاب انگلیسی خود^{۲۷} و نیز در کتاب **دراسات فی تدوین السنة النبویه** نظریه ساخت را مورد انتقاد قرار داد.

با آن که استنتاجات افراطی ساخت - و پیش از او گلدتسیهر - عمدتاً از مطالعه روایات فقهی به دست آمده بود، اما ساخت مدعی صحت نظریه خود در عموم روایات کهن اسلامی شد و حتی در دو مقاله خویش کوشید آن را درباره برخی روایات مغازی اثبات کند.^{۲۸} با این همه، متخصصان و علاقه مندان به سیره در غرب چندان از رهیافت و نظریه ساخت تأثیر نپذیرفتند. تنها سه سال پس از انتشار کتاب ساخت، جامع ترین کتاب های انگلیسی در باب سیره نبوی، تألیف محقق غیر مسلمان به نام ویلیام مُتگمیری وات انتشار یافت.^{۲۹} وی نظریه ساخت را بر روایات سیره و مغازی قابل تطبیق ندانست و، در عین قبول پاره ای جعل و دستکاری ها در شکل و ساختار روایات، اظهار کرد که با ذهنی نقاد سرانجام می توان دریافت که در صدر اسلام چه روی داده است. دو اثر فرانسوی و آلمانی پس از وات منتشر شدند که مؤلفان آن ها کمابیش همین دیدگاه اطمینانی را تأیید و ابراز می کردند. نخست کتاب **محمد و قرآن**، تألیف رودی پارت،^{۳۰} محقق معروف آلمانی و مترجم قرآن به زبان آلمانی بود و دیگر کتاب **محمد** نوشته ماکسیم رودنسون^{۳۱} مستشرق فرانسوی.

در دهه های هفتاد و هشتاد میلادی، چندین کتاب در باب سیره پیامبر و تاریخ اسلام منتشر شد که مؤلفان آن ها دیدگاه های گلدتسیهر و ساخت را به گونه ای منسجم تر پذیرفته و ارائه می کردند. وجه مشترک همه ایشان در این بود که در بازسازی سیره پیامبر اکرم و حوادث قرن نخست هجری روایات منقول را به عنوان منبع تاریخی قبول نداشتند. از میان ایشان، جان و نژبرو در کتاب **محیط فرقه ای**^{۳۲} با روش خاص خویش، یعنی تحلیل ادبی حدیث و متون حدیثی، هرگونه بازسازی تاریخی در باب حوادث صدر اسلام را کنار می گذارد. وی نخستین بار اصطلاح «تاریخ نجات»^{۳۳} را در توصیف متون و منابع کهن اسلام به کار بُرد و معضل منابع را به جدی ترین صورت مطرح کرد. به اعتقاد وی، برخلاف تصور پیشینیان، منابع کهن اسلامی در صدد بیان «آنچه واقعاً در صدر اسلام روی داده است» نیستند، بلکه صرفاً نشان می دهند که مؤلفان متأخر آن ها چه می اندیشیده اند. بنابراین، ما شاید هرگز نتوانیم دریابیم که در واقع چه روی داده است؛ همه آنچه مقدور ما است، این است که بدانیم به اعتقاد

26. William Montgomery Watt, **Muhammad at Mecca**, Oxford: Clarendon Press, 1953.
27. Muhammad Mustafa Azami, **On Schacht's Origins of Muhammadan Jurisprudences** (Riyadh: King Saud University, 1985); **Studies in Early Hadith Literature: With a Critical Edition of Some Early Texts** (1968; 3ed. Indianapolis: American Trust Publication, 1992).
28. Joseph Schacht, "A revaluation of Islamic tradition," in **Journal of the Royal Asiatic Society** 49 (1949) pp. 143-154; "On Mūsā b. 'Uqba's Kitāb al-Maghāzī," in **Acta Orientalia** 21 (1953) pp. 288-300.
29. William Montgomery Watt, **Muhammad at Mecca**, Oxford: Clarendon Press, 1953; and **Muhammad at Medina**, Oxford: Clarendon Press, 1956.
30. Rudi Paret, **Mohammed und der Koran: Geschichte und Verkündigung des arabischen Propheten**, Stuttgart: W. Kohlhammer, 1967; 5th ed. Stuttgart: Kohlhammer, 1980.
31. Maxím Rodinson, **Mahomet**, Paris, 1961.
32. John Wansbrough, **The Sectarian Milieu: Content and Composition of Islamic Salvation History**, Oxford: Oxford University Press, 1978.
33. **Salvation History**.
۳۴. برای گزارشی به فارسی، البته ناقص، از دیدگاه های وی نگاه کنید به: آندرو ریبین، «تحلیل ادبی قرآن، تفسیر و سیره: نگاهی به روش شناسی جان و نژبرو»، ترجمه مرتضی کریمی نیا، فصلنامه پژوهش های قرآنی، سال ششم، ش ۲۳-۲۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۹، ص ۱۹۰-۲۱۷.
35. Patricia Crone & Michael Cook, **Hagarism: The Making of Islamic World**, Cambridge: Cambridge University Press, 1977.

منابع، در دامن بحث‌های مربوط به روایات فقهی پرورده شده است. برخی مدعی‌اند که یافته‌های این حوزه را می‌توان به روایات سیره نیز تعمیم داد و عده‌ای نیز با این امر مخالفت می‌کنند؛ لیکن هیچ‌یک به تفصیل در جزئیات مسأله و بر مبنای خود منابع سیره تحقیقی نکرده است.

د. بحث در رابطه محتمل میان قرآن به مثابه منبعی تاریخی و روایات فقه، سیره و تفسیر آلوده به اظهار نظرهایی کلی شده است که خود بر مبنای مطالعه در نمونه‌های خاص و جزئی شکل گرفته‌اند؛ بنابراین اعتبار این اظهارات خود جای چون و چرا دارد. ه. کتاب‌هایی که تاکنون در شرح سیره و تاریخ زندگی پیامبر (ص) تألیف شده‌اند، دامنه محدودی از منابع را دربر می‌گیرند. این منابع (واقعی، ابن سعد، ابن هشام، طبری)، تنها و تنها مجموعه روایات سیره تدوین یافته از قرن سوم هجری هستند. روایات موجود در منابع متأخر هنوز به گونه‌ای روشمند و سیستماتیک بررسی، و با روایات کهن‌تر مقایسه نشده‌اند. بر این‌ها بیفزاییم شماری از منابع تازه-از نوع کهن یا متأخر- که در دهه‌های اخیر منتشر شده و در دسترس محققان قرار گرفته‌اند. این منابع که شاید تنها نامشان برای محققان غربی آشنا بوده است، مبنای مطالعه و تحقیق در روایات سیره نبوی را به نحو چشمگیری تقویت می‌کنند و چه بسا بر پاره‌ای نقاط مبهم در اعتبار منابع سیره پرتویی تازه افکنند.^{۳۸}



36. Michael Cook, *Muhammad*, Oxford: Oxford University Press, 1983.

۳۷. این کتاب که در سال ۲۰۰۰ میلادی توسط انتشارات بریل در لیدن هلند به چاپ رسیده است، مفصل منابع در سیره‌نگاری پیامبر نام دارد که مجموعه ۱۰ مقاله کوتاه و بلند از محققان غربی در زمینه سیره و حدیث، ارائه شده در پنجاهمین سالگرد تأسیس دپارتمان زبان و فرهنگ خاورمیانه در دانشگاه نیامخن (Nijmegen) هلند (در اکتبر ۱۹۹۷) است. مشخصات کتابشناختی این اثر چنین است:

Harald Motzki (ed.), *The Bibliography of Muhammad: The Issue of the Sources*, Leiden: E. J. Brill, 2000.

38. Harald Motzki (ed.), *The Bibliography of Muhammad: The Issue of the Sources*, Leiden: E. J. Brill, 2000, pp. XIV-XV.

در تدوین مقاله حاضر علاوه بر مقدمه این کتاب، از مقدمه ویراستار آقای آری ربین بر کتاب زندگانی محمد بهره برده‌ام. مشخصات کتابشناختی این اثر چنین است:

Uri Rubin, (ed.), *The Life of Muhammad*, Hampshire: Ashgate Publishing Limited, 1998.

امکان تدوین سیره‌ای از پیامبر اکرم عملاً متفی شد. کتاب بعدی مایکل کوک با عنوان محمد^{۳۶} که آن را خود به تنهایی در سال ۱۹۸۳ منتشر ساخت، به خوبی نشان دهنده این در ماندگی ذهنی سیره‌نگار غربی است. مؤلف در این کتاب خود، به عکس اثر مشترک قبلی اش با خانم پاتریشیا کرون، صرفاً به تحلیل سیره پیامبر بر مبنای قرآن کریم و منابع متداول می‌پردازد و به هیچ روی به سنجش و ارزیابی اعتبار منابع نمی‌پردازد. مایکل کوک در این کتاب تنها به بازگویی و بازنمایی محتوای منابع اسلامی می‌پردازد، اما سرانجام به خواننده می‌گوید که منابع و مدارک این سیره نه تنها مشکوک و غیر قابل اعتمادند، بلکه در بزنگاه‌های حساسی گمراه کننده‌اند و عملاً اعتبار تاریخی ندارند!

امروزه سیره‌شناسی پیامبر اکرم در غرب بر سر دوراهی مانده است: از یک سو بدون نقادی منابع سیره نمی‌تواند به تدوین تاریخچه‌ای از زندگی پیامبر اکرم دست بزند، و از سوی دیگر، چون به نقادی متون و منابع کهن اسلامی می‌پردازد، از تدوین سیره و تاریخ زندگانی عاجز می‌ماند. حال آیا محقق غربی راه برون‌شوی از این تنگنا پیش روی خود دارد؟ هارالد موتزکی، از حدیث پژوهان غربی که اخیراً مجموعه مقالاتی در باب سیره را ویرایش و چاپ کرده است،^{۳۷} در مقدمه کتاب خود اظهار خوش بینی می‌کند. به اعتقاد وی منشأ این خوش بینی آن است که تردیدهای گذشتگان در اعتبار و وثاقت منابع اسلامی، خود از جهات متعددی خدشه پذیر است. وی نواقص کار پیشینیان را چنین برمی‌شمارد:

الف. فقدان بررسی‌های سیستماتیک در باب نقد منابع روایی سیره پیامبر. نخستین تدوین کنندگان سیره نبوی در غرب، هر آنچه که به نظر خود صلاح می‌دانسته‌اند، از منابع روایی اسلامی گزینش کرده‌اند و مطالعات نقادی در باب سیره و مقایسه و تاریخ‌گذاری این نقل‌ها و روایات مختلف، پیش شرط اصلی بهره‌گیری از آن‌ها به عنوان مصادر تاریخی است.

ب. روش‌های ارزیابی و سنجش اعتبار روایات سیره تاکنون مورد کم‌ترین مذاقه قرار نگرفته‌اند. تقریباً هیچ‌گونه ملاکی در مقایسه متن روایات وجود نداشته است، و تحلیل اسناد روایات نیز، با وجود اندک پیشرفت‌هایی که در یکی دو دهه اخیر داشته است، به ندرت در باب روایات سیره مطرح شده است.

ج. به دلیل این دو نقیصه، بحث و مناقشه در باب اعتبار منابع در سطحی بسیار انتزاعی، و نه بر مبنای خود روایات سیره مطرح شده است. تردید و شکاکیت غربیان نسبت به اعتبار این